تلاشهای جاری را چګونه معنی کنیم؟

صلح برای افغانستان يا «صلح » با طالبان ؟

ادعای که کشور در چند قدمی «صلح » قرار ګرفته ذوق زده ګی بی پیشینه یی در دهلیز های دپلوماسی و محافل ژورنالیستیک بوجود آورده است ٬ رئیس جمهور داکتر اشرف غنی اعلام داشت که در سه دهه پسین کشور هیچ ګاهی به این اندازه به صلح نزدیک نشده بود .

اګر هدف از صلح بازده تعاملات پنهان واشکار پروژه های استخباراتی با مهره های سوخته طالبان است خسروان بهتر دانند ( اګر محرم اسرار نهان باشند ) و اګر هدف صلح برای افغانستان است ٬ این مقوله در باب مفتوح قابل ګردان نیست ٬ باب دیګری باید ګشود که همسنګ حجم بزرګ مفهوم صلح باشد .

حتی در کامیابی صلح با طالبان نیز اما و اګر های قابل لمسی وجود دارد ٬ ورق برګشته است ٬ امواج سیاستهای جهانی قبل از همه طالبان راچون خس روی آب با خود خواهد برد٬ تاریخ مصرف طالبان سر آمده است٬ در عین حال « کمان رستم » طالبانی را نیز نمیتوان با یک رتګ به تصویر کشید. در صورت متلاشی شدن ( که نتیجه ناګزیر پروسه «صلح » است) هر رنګ به اصل خود میپیوندد .)

آیا این ګسست و پیوست به صلح می انجامد؟

ګزینه نی انتخاب ناګزیر است زیرا طالبان نه مفهوم تشکیلاتی واحد هستند ونه جریان اعتقادی واحد . در مورد استخباراتی بودن این پروژه دیګر چون و چرایی باقی نه مانده است . وجود داعش و جریانات موازی آن بیان آشکار تجدیدنظر بر وسایل جنګ استخباراتی آینده است .

طالب ناګزیر تجزیه میشود ٬ عده یی با داعش میپیوندد ( این پروسه عملا آغاز ګردیده است ) عده یی که معتقدتر اند تا زمانی خواهند جنګید که یا بمیرند ویا از هر ګونه حمایت جهانی و منطقوی مایوس ګردیده از جنګ دست بکشند و عده دیګردر بازی مذاکرات سیاسی در قدرت دولتی شریک ساخته میشوند .

حتی اګر چنین تجزیه هم بوجود نیاید ٬ در موجودیت پروژه های حمایت شده چون داعش و جریانات موازی ٬ صلح با طالبان به صلح در افغانستان نمی انجامد . جنګ در فورم دیګر ٬ با اهداف فرا افغانی و تحت نام دیګر ادامه خواهد یافت .

واما ازین تلاشهای که با جدیت دنبال میشوند چه کسی سود میبرد ؟

برای ایالات متحده و همپیمانان غربی اش شاید در حد مواد تبلیغاتی برای اقتاع مردمشان مصرف داخلی داشته باشد و به درد مبارزات انتخاباتی بخورد واما سود اصلی را پاکستان نصیب میشود .

بازی با طالب ٬ بازی با مهره های سوخته است که پاکستان به پیش میبرد ٬ اګر باخت ٬ مهره های سوخته را باخته است و اګر برد « پیاده های شطرنج » خود را وزیر میسازد .

در پروژه صلح نخستین دستاورد پاکستان در آنست که طالبان مخالف خود را توسط امکانات افغانی تحت فشار قرار میدهد ٬ ساحه عمل شانرا محدود و شکست شانرا حتمی میسازد٬ دومین دستآورد٬ طالبان دوست خود را در بازی صلح وارد حکومت افغانستان میسازد و برای شان امتیاز میخرد ٬ این وضیعت در بیلانس صلح در کشور موثر نیست ولی در بیلانس ګرایش حکومت ازمرکز بطرف راست و در تقابل باترقی و دستاورد های دموکراتیک دهه های پسین نقش بارزی از خود بجا میګذاردکه در عینحال عدم توازن روابط دپلماتیک افغانستان در منطقه را با خود همراه دارد که به ایجاد کانونهای جدید خلق تشنج وبی ثباتی درکشور می انجامد .

پاکستان در بدل ګویا زمینه سازی صلح به امتیازات عدیده ی اقتصادی از جمله آب و برق و تسهیلات ترانسپورتی چشم دوخته است که در بدل هیچ ازافغانستان بدست اورد در سطح جهانی آبروی از دست رفته خود را اعاده و از کشور پرورش دهنده و صادر کننده تروریستها به کشور امدادګر صلح و مشوق تفاهم استحاله میکندوشاید اهداف پنهان دیګری که( آی.ایس.آی ) را واداشت تا طالبان را برای ګفتګوی صلح با افغانستان اماده کند .

فریب تربیت « باغبان» مخور ای ګل / که آب میدهد اما ګلاب میخواهد